



چالش‌های مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای: مطالعه‌ای به روش پدیدار شناسی

علی‌اکبر باقری فر^۱
دکتر کیوان صالحی^۲

چکیده

از مهمترین نشانه‌های حرکت شتابنده یک کشور در تحقق توسعه متوازن و پایدار، میزان و کیفیت سرمایه‌گذاری آن برای آموزش مهارتی است. پرواضح است که ضرورت این سرمایه‌گذاری در هنرستان‌های کار دانش و فنی و حرفه‌ای که همه‌ساله با تعداد زیادی از دانش‌آموزان سروکار دارد، دوچندان است. این توجه از آنجا نشأت می‌گیرد که امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، هنرستان‌ها به عنوان مراکز اصلی پرورش قابلیت تولیدکار و شهروندانی کارآفرین (نه دانش‌آموزانی کارجو)، مورد توجه جدی متولیان آموزشی قرار دارد. در پژوهش حاضر سعی شده با استفاده از رویکرد کیفی، چالش‌های اساسی مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پسرانه شهرستان تربت حیدریه مورد کنکاش و واکاوی قرار گیرد؛ از این رو با استفاده از رویکرد تفسیرگرایانه ادراک آنها از ماهیت و تنوع این چالش‌ها بازنمایی شده و علل و عوامل زمینه‌ساز و شکل‌دهنده چالش‌ها، احصاء شده و بازنمایی گردید. انتخاب مشارکت‌کنندگان به روش هدفمند آغاز شد، و در مجموع در مصاحبه چهل و پنجم (۱۵ هنرآموز و ۳۰ هنرجو) اشباع داده‌ها حاصل گردید. به منظور تحلیل داده‌ها، تلاش شد تا با استفاده از راهبرد کلاژی، و مبتنی بر داده‌های روایتی بدست‌آمده از مصاحبه نیمه‌ساختارمند با شرکت‌کنندگان، ضمن درک پدیده مورد مطالعه از منظر آنان، نتایج پرمایه‌ای تولید شده و باورپذیری نتایج ارتقا یابد. نتایج نشان می‌دهد که ۱۰ چالش عمده در روند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین هنرستان‌ها وجود دارد، از جمله این چالش می‌توان از «به‌روز نبودن تجهیزات کارگاهی و کتب درسی»، «ناکافی بودن منابع مالی»، «به‌روز نبودن روش‌های آموزشی هنرآموزان»، «عدم جذب دانش آموز مستعد و علاقه‌مند»، «نبودن زمان کافی برای مهارت آموزی»، «دیدگاه منفی والدین نسبت به هنرستان‌ها»، «عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته‌شده با نیازهای بازار کار»، «مشکل ادامه تحصیل» و «حمایت ناکافی رسانه‌ها از مهارت‌آموزی»، نام نمود که هر یک، مشکلات بسیار جدی در پویایی فرایند مهارت‌آموزی هنرستان‌ها و تربیت هنرجویان کارآفرین ایجاد نموده است.

واژه‌های کلیدی: مهارت آموزی، اشتغال، کارآفرینی، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، چالش‌ها.

^۱ - هنرآموز هنرستان و دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران، همراه ۰۹۱۵۱۳۰۳۶۴۲ - bagheryfara@yahoo.com
^۲ عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، keyvansalehi@ut.ac.ir



Challenges of Skill Learning and Education of Entrepreneur Students in Vocational Schools: A Phenomenological Study

Ali Akbar Bagherifar^۱
Dr Keyvan Salehi^۲

Abstract

The rate and quality of investment in skill learning are among the most important signs of accelerating movement of a country towards achievement of balanced and sustainable development. It is obvious that the necessity of this investment in vocational and technical schools increases regarding the great number of students they deal with each year. It takes note of the fact that, today, vocational schools are seriously attended to by educational authorities of developed countries as the main center for training work capability and entrepreneur citizens (rather than job-seeker students). In the present study, effort was made to explore and analyze the main challenges of skill learning and education of entrepreneur students in male vocational schools of Torbat-e Heydarieh using a qualitative approach. Therefore, their understanding of the nature and diversity of these challenges were represented and the reasons and underlying and formative factors of the challenges were recognized and represented using interpretative approach. The purposeful selection of the participants was started and the data were saturated in the ۴th interview (۱۰ trainees and ۲۰ students). To analyze the data, effort was made to produce substantial results, improve the credibility of the results and understand the phenomenon under study in their perspective using Colaizzi Method based on the narrative data obtained from semi-structured interviews with the participants. The results showed that there are ten major challenges in the process of skill learning and education of entrepreneur students. "Lack of state-of-the-art workshop equipment and textbooks", "inadequacy of financial resources", "lack of state-of-the-art educational methods", "failure to attract talented and interested students", "lack of sufficient time for skill learning", "negative attitude of parents towards vocational schools", "lack of necessary relationship between the learned skills and the needs of the labor market", "the problem of continuation of education", and "insufficient support of the media from skill learning" are among these challenges each of which have caused serious problems in the dynamics of skill training process of vocational schools and education of entrepreneur students.

Keywords: skill learning, employment, entrepreneurship, vocational schools, challenges

^۱ A student of vocational school and MA student of Educational Research at University of Tehran, Tel: ۰۹۱۵۱۳۰۳۶۴۲; bagherifara@yahoo.com
^۲ Assistant Professor in Methods and Educational Curricula Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran, keyvansalehi@ut.ac.ir



۱- مقدمه

بدون تردید، آموزش و پرورش تأثیری آشکار در افزایش تولید و درآمدها دارد و در این میان، آموزش متوسطه، به‌ویژه آنچه جنبه فنی و حرفه‌ای دارد، از مقوله سرمایه‌گذاری تولیدی و وسیله توسعه اقتصادی قلمداد می‌شود: همانطور که از هنرستان‌ها انتظار می‌رود باید به عنوان مراکز تولید کار عمل کنند و شهروندان کارآفرین (نه دانش‌آموزان کارجو) تربیت نمایند (کاوسی، ۱۳۸۷). پرواضح است که آموزش و پرورش، عمل زیربنایی رشد و توسعه کشورها قلمداد شده است و از آن به منزله «صنعت رشد» یاد می‌شود، لیکن در حال حاضر نارضایتی بسیاری از دول جهانی، از عملکرد آموزش و پرورش حاکی از نگرانی آنها از این موضوع است که اقتصاد کنونی و آینده و چالش‌های اجتماعی به نحوی مناسب پاسخگوی این نظام نیست. از دهه ۱۹۷۵م تاکنون اعتقاد بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی و آمریکایی این بوده است که کاهش رشد اقتصادی و شکست در رقابت‌های بین‌المللی به نحوی متأثر از عملکرد نظام آموزش و پرورش بوده است (ادنت و دیویس، ۲۰۰۲ به نقل از صالحی، زین آبادی و کیامنش، ۱۳۸۶) روشن است که رشد و توسعه اقتصادی کشورها با نظام آموزش و پرورش آنها گره خورده است و مطالعات اقتصادسنجی^۱ بسیاری نیز نشان داده اند که آموزش و پرورش، شاخص پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (ادنت، ۱۹۹۷؛ مارتین، ۱۹۹۸؛ دوتا و همکاران، ۱۹۹۹؛ پرسون و تابلیتنی، ۱۹۹۴؛ هانوشک و کیمکو، ۲۰۰۰ به نقل از همان منبع) اکثر این مطالعات به استناد به نظریه «سرمایه انسانی»^۲ انجام گرفته اند. طبق این نظریه آموزش ابزار افزایش درونداهای بازارکار و در نهایت اثربخشی برونداهای آن است (ادنت و دیویس، ۲۰۰۲ به نقل از همان منبع) و به همین دلیل است که اکثر کشورهای توسعه یافته ۵ تا ۷ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به امر آموزش و پرورش اختصاص می دهند (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، ۲۰۰۲ به نقل از همان منبع).

با توجه به اهمیت نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی و اشتغال، در طراحی نظام جدید آموزش متوسطه، کوشش شده جهت‌گیری این نظام به سمت توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف آموزش فنون و مهارت‌های موردنیاز جامعه باشد. یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است. به‌عبارت‌دیگر، مهم‌ترین مشکلات برای کسب سه ویژگی کارایی، انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار کار را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد. الف) ساختار اجرایی و آموزشی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای ب) ارتباط ضعیف بین آموزش فنی حرفه‌ای و مراکز تولیدی و خدماتی ج) نبود پشتوانه علمی برای ارتقاء این آموزش‌ها (خلاق، ۱۳۸۲).

ظهور اقتصاد دانش محور^۳ در کشورهای صنعتی در دهه‌های آخر قرن گذشته و به دنبال آن در برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای لاتین نشان داد که سرمایه انسانی نقش محوری در توفیق این کشورها برای ورود به اقتصاد جدید ایفاء نموده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). به علاوه می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای^۴ به دلیل توأم نمودن آموزش‌های نظری و عملی از توانایی زیادی در تشکیل سرمایه انسانی و تربیت کارگر دانش‌مدار برخوردار است. از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجب سرمایه عمومی است و آموزش فنی و حرفه‌ای موجب سرمایه اختصاصی است، مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب شده دارندگان آن را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث گردیده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در سیستم‌های تعلیم و تربیت آنها از دیر باز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع گردند (بکر^۵، ۱۹۶۴ به نقل از عیسی‌خانی، ۱۳۹۳).

پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای زیر بنایی در جامعه نقشی مهم و انکارناپذیر در آماده‌سازی و توزیع افراد جامعه در جایگاه مناسبشان بر عهده دارد. نیروی کار آموزش‌دیده برای دستیابی به توان اقتصادی در

^۱ Development Industry

^۲ Econometric

^۳ Human capital

^۴ Knowledge base Economy

^۵ Vocational and Technical Educations

^۶ Knowledge- worker

^۷ Becker



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



بخش‌های گوناگون جامعه نقش کلیدی دارد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری برای آموزش فنی و حرفه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است (کشتی‌آرای، یوسفی و موسوی، ۱۳۹۱). تیلاک^۱ (۲۰۰۲) معتقد است نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از اجزاء مهم نظام آموزش و پرورش کشورها متصدی اصلی تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر در سطح پیش از دانشگاه است (به نقل از زین‌آبادی، صالحی و پرند، ۱۳۸۶). ساخاروپولوس و پاترینوس^۲ (۲۰۰۴)، معتقدند رشد و توسعه کشورها به میزان قابل‌توجهی از رشد و توسعه آموزشی تأثیر می‌پذیرد (همان منبع)، یکی از شاخص‌های پیشرفت صنعتی، تربیت نیروی انسانی متخصص در رده‌های مختلف فنی است. هر کشوری که بتواند همزمان با رشد صنعتی، نیروی موردنیاز خود را نیز تأمین کند، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. آموزش نیروی انسانی به‌منظور توسعه سرمایه انسانی کارآمد و تأثیرگذار بر توسعه از وظایف مهم نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای است (به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶).

به بیانی دیگر می‌توان مهارت‌آموزی را جزء جدایی‌ناپذیر حفظ و ارتقاء ساختار پیچیده توسعه اجتماعی، اقتصادی و مدنی نوین برشمرد. آموزش‌های فنی - حرفه‌ای در نظام نوین اجتماعی، با فراهم آوردن زمینه‌های بروز مهارت‌های لازم برای بهتر زیستن شهروندان، نقش محوری را ایفا کرده و به یکی از خط‌مشی‌های اساسی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تربیت نیروی انسانی کارآمد در سطح پیش از دانشگاه تبدیل شده است (دُرانی و صالحی، ۱۳۸۴).

یکی از مشکلاتی که فراروی جوامع بشری قرار دارد و کشورهای گوناگون را به چالش کشیده است، مسئله بیکاری است. عوامل بروز این پدیده در کشورهای مختلف به اختلافات گوناگون در ساختار اقتصادی، آموزشی و فرهنگی آن کشورها بازمی‌گردد. کشور ما نیز، نه تنها از هجوم تبعات اقتصادی و فرهنگی که از مسئله بیکاری ناشی می‌شود، مستثنی نیست، بلکه به دلیل ترکیب جوان جمعیت، در معرض شدیدترین آسیب‌ها قرار دارد. بیکاری، مانع رشد متوازن شخصیت و استقلال در جوانان است و به نوبه خود عامل اصلی جنایت و استعمال مواد مخدر به شمار می‌آید (به نقل از زین‌آبادی، صالحی و پرند، ۱۳۸۶). یکی از شروط لازم برای از بین بردن فقر و توسعه پایدار، اشتغال جوانان است. ایجاد تغییرات ساختاری در محتوای سیستم آموزش عالی و فنی حرفه‌ای کشور، توسعه آموزش‌های کاربردی منطبق با نیازهای بازار کار و الزامی نمودن کارآموزی در محیط کار هم‌زمان با تحصیل (هرندی و فلاح محسن‌خانی، ۱۳۸۶)، آذر نوش و همکاران (۱۳۷۷) معتقدند، مراکز آموزشی ما باید بتوانند، باهدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان به‌وسیله برنامه‌های آموزشی از قبیل خلاقیت، توانایی، شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند. افراد کارآفرین دارای انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، گرایش به خلاقیت، ریسک‌پذیری و کنترل هستند (به نقل از ذبیحی و مقدسی، ۱۳۸۵)، امروزه علاوه بر تحقیقات انجام‌شده برای اکثر دولتمردان و سیاست‌گذاران آشکار شده است که می‌توانند از طریق نظام آموزشی بر فراگیران تأثیر بگذارند و به این طریق میزان کارآفرینی را در جامعه افزایش دهند. با توجه به تحقیقات انجام‌شده، شاخه فنی و حرفه‌ای از نظر روحیه کارآفرینی از میانگین بالاتری نسبت به شاخه نظری و کاردانش برخوردار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که روحیه کارآفرینی در صورتی در دانش‌آموزان پرورش می‌یابد که آموزش‌های لازم به‌صورت توأم هم از لحاظ عملی و هم از لحاظ تئوری همراه باشد (خاتمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۱).

یکی از دغدغه مهم دولت ایجاد اشتغال پایدار در کشور است، برای رسیدن به این هدف مهم، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان راهکاری مناسب امری اجتناب‌ناپذیر است. به منظور تحقق این هدف، باید فرهنگ مهارت‌آموزی در کشور نهادینه شود زیرا نهادینه شدن فرهنگ مهارت‌آموزی ابزار اصلی و کلیدی برای تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های اشتغال و اقتصاد مقاومتی است. بنا براین، اهمیت پژوهش فوق‌مبنی بر اینکه چه چالش‌هایی در روند مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها وجود دارد، می‌تواند در صورت روشن شدن این چالش‌ها و رفع آنها، زمینه پیشرفت محسوس و قابل‌توجه هنرستان‌ها را فراهم و با هماهنگی سایر عوامل دخیل، ارتقای سطح مهارت فنی و علمی هنرجویان را فراهم، و درنهایت موجب رشد و بهره‌وری در صنعت و اشتغال کشور شده و حتی زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها فراهم گردد و به رشد و شکوفایی اقتصاد کشور کمک شایانی کند و باعث اشتغال خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان بیکار و دانش‌آموخته‌های دبیرستانی و دانشگاهی شود. مسئله اصلی پژوهش حاضر فقدان شناخت و دانش کافی در خصوص چالش‌های موجود در مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای است؛ بنابراین هدف پژوهشگر در این مطالعه، شناسایی و بازنمایی چالش‌های اصلی در فرایند مهارت‌آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌ها است.

^۱ Tilak
^۲ Sacharopolos & Patrinos



۱-۱ بررسی پیشینه پژوهش

صفر حیدری (۱۳۷۰)، نیز در مقایسه‌ای تطبیقی میان نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران و ژاپن نتیجه گرفت که نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای ایران با نیازهای جامعه بیگانه است. در حالی که در کشور ژاپن، عموماً آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بستر نیاز جامعه در بخش‌های صنعتی و خدماتی منشعب می‌شود، براون و هاروی (۲۰۰۴)، معتقدند در کانادا طبق گزارش بخش آموزش و پرورش آمریکا (۲۰۰۱)، پیمایشی از فارغ‌التحصیلان رشته الکترونیک در ایالت اونتاریو در سال ۱۹۹۹ نشان داده است که ۸۹٪ آن‌ها، در شغل‌های مرتبط به کار بوده‌اند، این شواهد بیانگر عملکرد مطلوب و هدفمند در آموزش مهارتی در این کشورها است. البته گفتنی است که ویژگی‌هایی مانند مبتنی بر مورد نیاز بودن و کاربردی بودن آموزش‌ها و تعامل کامل با بخش صنعت بر موفقیت این نظام در این کشورها افزوده است. مثلاً در کشور انگلستان، شرکت‌های بزرگ و کوچک صنعتی و بازرگانی از حدود هزار مدرسه حرفه‌ای حمایتی کنند و ۷۵٪ برنامه‌های کارآموزی را این شرکت‌ها ارائه می‌نمایند (صالحی و همکاران، ۱۳۸۶) بر اساس شواهد پژوهشی اشاره شده می‌توان گفت که عدم تحقق یافتن اهداف اجتماعی و آموزشی نظام‌های آموزشی، بیانگر ناکارآمدی آن‌ها در ایفای مأموریت‌های اساسی در جامعه است

فرایند، کم‌توجهی به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح در این نظام را به صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه از شواهد پژوهشی‌های موجود استنباط شده، مؤید این است که دانش‌آموزانی که در عرصه تحصیل و یادگیری در مدارس موفق هستند، نسبت به دیگر دانش‌آموزان، نرخ اشتغال بیشتری داشته و در عرصه شغلی نیز موفق بوده‌اند. اوگانلی (۲۰۰۶) معتقد است در حل مسائل مبتلا به صنعت کشور، در رفع نیازهای متنوع و متغیر فضای دگرگون جامعه، در مواجهه هوشمندانه با چالش‌های فراروی نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای، در رفع موانع اشتغال و کارآفرینی و ... خواهد بود (به نقل از همان منبع)؛ اما در عمل با داشتن هنرجویان دارای پیشرفت تحصیلی نه‌چندان مناسب، انتظار پرورش دانش‌آموختگانی با دانش، نگرش، مهارت و خلاقیت مطلوب آموزشی، منطقی نیست (همان منبع).

خلاقی (۱۳۸۱)، زیباکلام مفرد (۱۳۶۵)، فرشاد (۱۳۷۴)، و جمال فر (۱۳۶۶)، در پژوهش‌های خود، یکی از اساسی‌ترین تنگناهای آموزش فنی و حرفه‌ای ایران را عدم انطباق با نیازها و عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای صنعت و عدم ارتباط با این بخش بر شمرده‌اند. آقازاده (۱۳۸۰)، معتقد است تاریخ آغاز نخستین آموزش‌های مهارتی را به‌طور رسمی شاید بتوان از دوران انقلاب صنعتی به بعد عنوان کرد. لی (۱۹۹۴) هانهارت و بوسو (۱۹۹۸) معتقد هستند که امروزه این آموزش‌ها، با توجه به تحولاتی که پشت سر گذاشته است، در سطح پیش از دانشگاه و به‌طور رسمی دارای سه الگوی کلی است. هادلستون و اوه (۲۰۰۴) الف) «الگوی بازار محور»^۱ که مراد همان مراکز مهارت‌آموزی مستقر در مؤسسات تولیدی و خدماتی است. کشورهای انگلستان، آمریکا و ژاپن از این الگو پیروی می‌کنند لازم به ذکر است که نظام آموزش و پرورش ارتباطی با این الگو ندارد. ب) آموزش‌های مهارتی تمام‌وقت «که بر اساس آن آموزش مهارتی و آموزش عمومی مشترکان ارائه می‌شود و ارتباط آن با بازار کار ناچیز است». کشورهایمانند فرانسه، اسپانیا و ایران از این الگو پیروی می‌کنند. ج) «الگوی کارورزی یا نظام دوگانه»^۲ که کشورهایمانند آلمان، استرالیا و سوئیس بر اساس آن عمل می‌کنند. این الگو از آن جهت چنین نامی بر خود گرفته است که تحصیلات و مهارت‌آموزی در دو مدرسه و محیط کار صورت می‌گیرد. «یادگیری مرتبط با کار»^۳، اصل زیربنایی تشکیل این الگو است. در میان این الگوها، کارآمدی الگوی دوگانه یا الگوی کارورزی بیشتر است، زیرا که در این الگو هنرجو به‌نوعی آموخته‌های خود را در دنیای واقعی کار به‌بوته آزمایش می‌گذارد. البته ناگفته نماند که انتخاب الگوی اول، دوم یا سوم در اکثر مواقع متناسب با مقتضیات و شرایط کشورها صورت می‌گیرد. مثلاً همان‌گونه که کاسترو (۱۹۸۷) بیان کرده است، اجرای الگوی کارورزی در کشورهایی که میان صنعت و آموزش رابطه کمی وجود دارد با مشکل مواجه می‌شود؛ «لی»، کشورهای کمتر توسعه‌یافته آفریقای را مصداق این‌گونه از کشورها معرفی می‌شود. کشورهای آلمان، انگلستان، سوئیس، آمریکا و فرانسه از جمله کشورهای مطرح در حوزه آموزش‌های مهارتی هستند که در میان آن‌ها دو کشور آلمان و انگلستان سوابقی درخشان دارند (به

^۱ Ogunleye
^۲ Ley
^۳ Haddleston & Oh
^۴ Hanhart & Bossio
^۵ Market - Based
^۶ Dual system
^۷ Work related learning



نقل از صالحی، زین‌آبادی و کیامنش، (۱۳۸۶). مدارس آلمانی پس از مدتی به صورت الگویی برای دیگر کشورهای اروپایی درآمد. ابتدا انگلیس و سپس اتریش، سوئد، ایتالیا، فرانسه و بالاخره روسیه به تقلید مدارس آلمان و برنامه و روش آن‌ها، مدارس حرفه‌ای ایجاد نمودند (کاوسی و طهماسب، ۱۳۷۸).

نتایج پژوهش میرصنایع (۱۳۷۷)، نشان داد کاهش نسبت دانش آموز به معلم دارای بیشترین تأثیر در پیشرفت تحصیلی و رفتار و گرایش‌های دانش آموز است. در بخش کالبدی و تجهیزات، شاخص‌های مربوط به نسبت تجهیزات اصلی کارگاه به هنجار دارای بالاترین نمره و نسبت فضای ورزشی به هنجار از پایین‌ترین نمره برخوردار بوده است (نقل از ساداتی و قهرمان، ۱۳۹۰). یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلیقی، ۱۳۸۲). هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای با اهداف مختلف، به‌ویژه تدارک زمینه‌های هدایت دانش آموزان به اشتغال و ادامه تحصیل تأسیس شده‌اند، اما کیفیت پایین آن‌ها و نبود ظرفیت لازم در جامعه، موانعی جدی در راه تحقق این اهداف در هنرستان‌ها بوده است. تزریق دانش آموزان باکیفیت پایین به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، نرخ بالای افت تحصیلی به‌ویژه در دروس عملی و مهارتی، غلبه روش‌های آموزش سخنرانی بر روش‌های حل مسئله، غلبه روش‌های مداد کاغذی ارزشیابی مبتنی بر عمل، غلبه روش‌های ارزشیابی پایانی بر روش‌های ارزشیابی فرایندی، کم‌توجهی به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت‌نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح در این نظام را به‌صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶).

در راستای سیاست‌های کلی تولید و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، فرمایشات مقام معظم رهبری در چند سال اخیر و بخصوص در نامگذاری سال ۱۳۹۵ به عنوان «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل»، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و سازماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان، دستیابی به رتبه اول اقتصادی دانش بنیان در منطقه و با توجه به تجارب نقش آفرین کارآفرینان کشوری و استانی، باید «مهارت آموزی» را در سطح جامعه و آموزش و پرورش گسترش داد. از این رو هدف اصلی در پژوهش حاضر، کسب درک عمیق از دیدگاه هنرآموزان (دبیران فنی) و هنرجویان (دانش‌آموزان سال دوم و سوم هنرستان) در خصوص مشکلات پیش رو در فرایند مهارت آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌های پسرانه فنی و حرفه‌ای شهرستان تربت حیدریه است و سؤال اصلی این است که چالش‌های مهارت آموزی و پرورش هنرجویان کارآفرین در هنرستان‌ها کدامند؟

۱-۲ چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی در تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی است. به زعم بازرگان (۱۳۸۴)، بر اساس دیدگاه تفسیرگرایی، واقعیت، مشروط به تجربه انسان و تفسیر اوست. انسان از طریق تجربه می‌تواند دانش مربوط به واقعیت را در ذهن خود بسازد. پژوهشگر از طریق تعامل با موضوع مورد پژوهش، به شناخت آن نایل می‌شود. در این دیدگاه، شناخت امری عینی نیست و ابعاد و تفسیرهای گوناگون دارد (ص ۴۱). در رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به عنوان رویکرد اصلی در این مطالعه، باور بر این است که با توجه به خلاق بودن ماهیت انسان، سیال بودن واقعیت اجتماعی، و ساخته و معنادار شدن در فرایند درک و تفسیر انسان‌ها از آن، لذا نمی‌توان مسیر و روش خاص برای درک واقعیات و یا ایجاد تغییر در آنها پیشنهاد کرد (دنزین و لینکلن^۱، ۲۰۱۱؛ نیومن^۲، ۲۰۰۷؛ گوبا و لینکلن^۳، ۲۰۰۵؛ گلیزر^۴، ۲۰۰۱). با توجه به این موضوع و با استفاده از دیدگاه بازرگان (۱۳۸۴)، برای انجام پژوهش‌های آموزشی که بتواند راهگشای شناخت عمقی عناصر نظام آموزشی باشد، باید از روش‌شناسی تفسیری استفاده نمود (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش سعی گردید تا با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی به بازسازی معنایی ادراک هنرآموزان و هنرجویان از چالش‌های موجود در مهارت‌آموزی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای پرداخته و نشان داده‌شود که این مشارکت‌کنندگان چه درکی از این پدیده دارند، آن را چگونه درک و ارزیابی می‌کنند

^۱ Denzin & Lincoln

^۲ Neuman

^۳ Guba & Lincoln

^۴ Glaser



۲- روش پژوهش

همان گونه که پیش از این در پیشینه تحقیقات اشاره شد، فقدان مطالعات عمیق در این حیطه، چالش‌های موجود در مهارت آموزی هنرستان‌ها را نشان می‌دهد و نیز اگر به درک یک مفهوم یا پدیده به دلیل آنکه درباره آن کم تحقیق شده است نیاز داشته باشیم یا زمانی که پژوهشگر متغییرهای مهم اثر گذار بر مطالعه را نمی‌شناسد، رویکرد کیفی مفید است. این مسئله لزوم رویکردی اکتشافی برای کشف همه ابعاد پنهان و پیدای این پدیده را می‌طلبد. از این رو تحقیق حاضر با اتخاذ رویکرد استقرایی به دنبال کشف می‌باشد. زمانی می‌توان از پژوهش کیفی استفاده نمود که بخواهیم یک پدیده را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار داده و ضمن مطالعه افراد در شرایط طبیعی‌شان، تصویری تفصیلی از پدیده‌های مورد مطالعه را بازنمایی کرد (بازرگان، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، این مطالعه، با توجه به جمیع جهات و به‌ویژه ماهیت موضوع مورد بررسی، مبتنی بر پژوهشی کیفی با رویکرد آمیک^۱ انجام شده است. فن جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته است. سوالات مصاحبه با این سوال کلی «چالش‌های مهارت آموزی در هنرستان‌ها چیست» آغاز شد و سپس با سوالات جزئی‌تر ادامه یافت.

درباره پایایی^۲ و روایی^۳ نتایج در پژوهش‌های کیفی میتوان از چهار ملاک اعتبار پذیری (اعتبار درونی)، انتقال پذیری (اعتبار بیرونی، قابلیت اطمینان) پایایی و تأیید پذیری (عینیت) نام برد؛ لینکن^۴ و گوبا(۱۹۸۵) به نقل از صدوقی(۱۳۸۷) چهار معیار زیر را برای پژوهش‌های کیفی برشمرده اند؛

- قابل قبول بودن^۵ : این مفهوم جایگزین مفهوم روایی درونی است که از طریق آن، پژوهشگران به دنبال اثبات اطمینان به «درستی» یافته‌هایشان هستند؛ و توصیه می‌شود که پژوهشگران کیفی از «چک کردن اعضا» استفاده کنند. در اینجا رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش به شرکت کنندگان داده می‌شود تا ببینند که آنها با یافته‌های پژوهشگر موافق اند یا مخالف؛ به علاوه، قابل قبول بودن از طریق درگیر شدن طولانی مدت، در میدان و مشاهده مداوم و چند جانبه نگری داده‌ها به دست می‌آید.
- انتقال پذیری^۶ : انتقال‌پذیری جایگزین مفهوم روایی بیرونی است. به جای هدف‌گیری برای نمونه‌گیری تصادفی و استدلال احتمالی، پژوهشگران کیفی به ارایه یک تصویر مفصل از زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است، ترغیب می‌شوند. در اینجا هدف، ارائه اطلاعات کافی به خواننده است برای قضاوت در باره کاربردپذیری یافته‌ها در محیط‌های دیگر؛
- قابلیت اطمینان^۷ : این مفهوم جایگزین ایده اعتبار است و پژوهشگران را ترغیب می‌کند بازبینی را ممکن کنند (مستندسازی داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات مربوط به پژوهش) که این می‌تواند امکان موشکافی و رسیدگی سایر پژوهشگران را ممکن کند.
- تأییدپذیری^۸ : تأیید پذیری جایگزین مفهوم عینیت است و به رسیدگی و بازرسی به عنوان ابزاری برای اثبات کیفیت استناد می‌کند؛ برای مثال پژوهشگر می‌تواند یک تحلیل خود انتقادی را از روش شناسی به کار رفته در پژوهش فراهم آورد. تکنیک‌هایی مانند چند جانبه نگری (برای داده‌ها، پژوهشگر و زمینه) نیز می‌تواند ابزار مفیدی برای تأیید پذیری باشند. در این پژوهش نیز این موارد در نظر گرفته شده است.

۲-۱ میدان تحقیق

میدان تحقیق مورد مطالعه در این پژوهش، هنرجویان هنرستان‌های پسرانه شهرستان تربت حیدریه، می‌باشند. از طرفی از آنجایی که موضوع تحقیق وابسته به تجارب افراد از چالش‌های مهارت آموزی می‌باشد سعی شده با مدیران، معاونین فنی، کارشناسان فنی، هنرآموزان و هنرجویان مصاحبه گردد که آگاهی و اطلاع کافی از محیط هنرستان‌ها و چالش‌های مهارت آموزی در آن را دارند.

۲-۲ حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در روش‌های کیفی حجم نمونه مانند روش‌های کمی از قبل مشخص و معین نیست و بستگی به روند تحقیق و مقولات در حال تکوین دارد. در بررسی‌های کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده کرد. این دو نوع عبارتند از نمونه‌گیری هدفمند^۹ و نمونه‌گیری نظری^{۱۰} از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه، و از نمونه‌گیری نظری

^۱ رویکرد آمیک، یکی از مفاهیم بنیادی در روش‌شناسی کیفی است و به معنای درک، تفسیر و بازنمایی پدیده‌ها موضوع مورد بررسی «از نقطه نظرات افراد درگیر» با آن است.

^۲ Reliability
^۳ .validity
^۴ Lincon
^۵ credibility
^۶ transferability
^۷ dependability
^۸ confirmability
^۹ Purposive Sampling
^{۱۰} Theoretical Sampling



برای تشخیص تعداد افراد پژوهش، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. از سویی حجم نمونه در مطالعات کیفی به سطح اشباع داده‌ها^۱ بستگی دارد. و به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده شده به سؤالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام شده کافی به نظر می‌رسد، چرا که داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند (به نقل از صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱). بر این اساس، در این پژوهش پس از انجام ۴۵ مصاحبه کیفی عمیق با هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌ها، اشباع داده‌ها حاصل شد. به منظور رعایت مسائل اخلاقی قبل از شروع مصاحبه با شرکت‌کنندگان، در مورد اهداف پژوهش آگاهی لازم به آنها داده شد و با رضایت کامل در پژوهش شرکت کردند. در خصوص محرمانه‌بودن اطلاعات، اطمینان لازم به آنها داده شد. مدت زمان مصاحبه از ۱۰ تا ۳۰ دقیقه متغیر بود.

۳- یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای کُلایزی استفاده گردید. برای این کار، ابتدا سعی شد تمام مطالب ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان در مطالعه کلمه به کلمه به منظور مأنوس شدن با توصیف‌ها خوانده شود. سپس با دقت و بررسی چند باره، جملات مهم که مستقیماً به پدیده مورد نظر مربوط بودند، استخراج، سپس معنی هر عبارت توضیح داده شد. سپس داده‌های بدست‌آمده از مراحل قبل دسته‌بندی شدند. کدهای مختلف برای تشکیل دسته‌های کلی‌تر در هم ادغام شده، سپس نتایج بدست‌آمده با هم ترکیب شده و برای دستیابی به مفاهیم واضح بازنگری شدند تا بطور کامل گویا باشند و در پایان اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها، انجام شد. تا با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند و داده‌های روایتی بدست‌آمده از مصاحبه با ۴۵ نفر از هنرآموزان و هنرجویان هنرستان‌های پسرانه شهر تربت حیدریه، ضمن درک پدیده مورد مطالعه از منظر آنان، نتایج پرمایه‌ای تولید شده و باورپذیری نتایج ارتقا یابد، این امر بر اهمیت و لزوم شناسایی، تحلیل باورها و ادراکات جامعه مورد پژوهش، صحت می‌گذارد. تحلیل ادراکات و برداشتها و تجارب زیسته آنها در خصوص چالش‌های احتمالی در روند مهارت آموزی را بازنمایی نموده. هدف این مقاله، قضاوت در مورد درستی یا نادرستی دیدگاه و ادراک هنرآموزان و هنرجویان نیست، بلکه هدف این است تا همچون آئینه‌ای شفاف، ضمن توصیف، تحلیل و انعکاس سطح و عمق ذهنیات و ادراکات جامعه مورد پژوهش را در خصوص چالش‌های مهارت آموزی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای، تبعات این چالش‌ها بر روند کار، مهارت‌آموزی و پیشرفت تحصیلی هنرجویان بازنمایی شود. هنگامی که پژوهشگر از شرکت‌کنندگان در پژوهش پرسید: «چالش‌های مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها چیست؟»، با انبوهی از نظرات آنها مواجه شد. تحلیل عمق دیدگاه‌های آنها، موجب شناسایی و دسته‌بندی ده چالش اصلی در روند مهارت آموزی هنرستان‌ها گردید. در ادامه هریک از چالش‌ها بر شمرده شده به تفکیک مورد کنکاش عمیق قرار گرفته است.

۳-۱ تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز

تجهیزات فرسوده و یا ناقص مانع یاددهی و یادگیری کامل مهارت می‌شود. این مسئله باعث اتلاف وقت و نیز دلسردی هنرآموز و هنرجو از ادامه کار می‌شود. امکانات و تجهیزات هنرستان‌ها فرسوده و از رده خارج است و حتی پاسخگوی نیاز جمعیت‌کنونی هنرجویان هنرستان‌ها هم نیست. اصل آموزش در هنرستان‌ها تجهیزات است، تجهیزات هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای سال به سال تغییر می‌کند و اگر تجهیزات به روز نشود، هنرستان‌ها تعطیل می‌شوند.

✓ هنرجو با کد ۲۵ می‌گوید: «تجهیزات آموزشی رشته ما در هنرستان خیلی قدیمی و امکانات آن کمه. و با وجود خرابی مجبوریم با همان‌ها بسازیم و این امر موجب کاهش انگیزه ما میشه».

✓ هنرآموزی با کد ۳ که ۲۷ سال سابقه تدریس دارد می‌گوید: بعضی از تجهیزاتی که هنرجویان با آن کار می‌کنند مربوط به زمان دانش آموزی خودم است، که واقعا فرسوده می‌باشد و باید به روز شوند متأسفانه وسایل و تجهیزات معیوب و قدیمی علاوه بر اتلاف وقت، باعث کم‌انگیزگی هنرجو برای یادگیری مهارت می‌شود و یادگیری کار دچار مشکل می‌شود.

۳-۲ بروز نبودن کتب درسی

وقتی کتاب‌های کارگاهی مطابق پیشرفت علمی روز دنیا باشد و نحوه نگارش آنها نیز جنبه عملی داشته باشد می‌تواند در علاقه‌مندی هنرجویان و خلاقیت آنها تأثیر داشته‌باشد. متأسفانه کتب کارگاهی توسط اساتید محترمی نوشته می‌شود که شاید حتی یکسال هم در هنرستان‌ها این مهارت را تدریس نکرده‌اند و به همین خاطر بیشتر نگاه مؤلف به جنبه نظری مباحث است.

✓ هنرآموزی با کد ۹ که ۲۸ سال سابقه تدریس دارد می‌گوید: «کتابهای درسی با پیشرفت علمی و صنعتی همراه نیست. مثلاً الان در کارگاه مهارتی را آموزش می‌دهم که حدود ۳۳ پیش خودم آموزش می‌دیدم. و کتابها درسی شاید چندین بار عوض شده اما فقط طرح روی جلد و یا فونت نوشتاری و یا تصویرها عوض شده. مثلاً از مهارتهایی گفته که الان منسوخ شده و

^۱Data Saturation



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



روشهای به روز و خیلی دقیقی تری آمده. اما کتاب درسی متأسفانه هنوز در همان سی سال پیش است. و گذر زمان را احساس نکرده."

✓ هنرجوی با کد ۱۷ می گوید: "کتابهای کارگاهی اصلا به روز نیستند و خیلی تئوری نوشته شدن، و جنبه عملی آنها کمتره"

۳-۳ ناکافی بودن منابع مالی

پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش و پرورش به عنوان یکی از نهادهای زیر بنایی در جامعه نقشی مهم و انکارناپذیر در آماده سازی و توزیع افراد جامعه در جایگاه مناسبشان بر عهده دارد. نیروی کار آموزش دیده برای دستیابی به توان اقتصادی در بخش‌های گوناگون جامعه نقش کلیدی دارد. به همین دلیل سرمایه‌گذاری برای آموزش فنی و حرفه‌ای نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است (کشتی‌آرای، یوسفی و موسوی، ۱۳۹۱).

✓ مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۷ می‌گوید: "سرانه هر هنرجو ۵ سال پیش در یک سال تحصیلی حدود ۴۰ هزار تومان بوده و حالا پس از گذشت این مدت با توجه به تورم، حداقل باید به ۸۰ هزار تومان می‌رسید تا بتوانیم همان روال گذشته را داشته باشیم اما متأسفانه رشد منفی داشته و به ازاء هر هنرجو به ۱۰ حدود هزار تومان رسیده که جهت پرداخت قبوض و خرید وسایل ضروری اداری هم کافی نیست چه رسد به خرید تجهیزات نو و غیره."

✓ هنرجوی با کد ۲۲ می‌گوید: "چرا باید به هنرستانها بودجه دولتی ندن که برای هر چیزی از ما باید پول بگیرن، در کارگاه حتی وسایل مصرفی کارگاه را باید خودمان پول بدم، با آن وسایل خراب باز پول هم می‌گیرن، اما بیشتر وسایل خراب می‌باشند. چرا اینقدر در کشور اسراف و حیف و میل میشه، اما برای آموزش دانش آموز پول کافی به آموزش و پرورش نمی‌دهند."

۳-۴ به روز نبودن اطلاعات و روش های آموزشی هنرآموزان

در یک مطالعه (هاچلندر، ۲۰۰۵) معلوم شد که بیشتر معلمان آموزش های فنی و حرفه ای به منظور به کار گیری دانش آکادمیک در آموزش های فنی تربیت نشده اند و بیشتر معلمان دانشگاهی نیز اطلاع کمی در باره کاربرد دانش خودشان در صنایع و کارخانه ها دارند، اگر انتظار برنامه های فنی و حرفه ای نتیجه بخش را داریم، باید آنها اهداف آکادمیک و اهداف شغلی را با هم داشته باشند و کارهای زیادی در مورد طرح مجدد برنامه آموزشی انجام گیرد (کاووسی، ۱۳۸۷)

✓ هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش آموزان، بین آن‌ها رقابت به وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند."

✓ معاون فنی یکی از هنرستانها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا، نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند اما متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روشهای منسوخ شده قدیمی برای تدریس استفاده کرده و اصلا به فکر بروز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستن."

۳-۵ عدم جذب دانش آموز مستعد و علاقه‌مند:

اهمیت بسزای نظام آموزش مهارتی و اثراتی که در بالندگی جامعه به همراه دارد، شناسایی و هدایت دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد به تحصیل در هنرستان های فنی حرفه‌ای از مهمترین دغدغه‌ها و چالش‌های متولیان نظام آموزش مهارتی است. با توجه به اهمیت این آموزش‌های مهارتی از یکسو، فراگیری مسئله استقبال ناچیز دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها در سراسر کشور، یکی از چالش‌های مهم مهارت‌آموزی در هنرستان‌ها به شمار می‌رود (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴). فرایند، کم‌توجهی به مقوله کارآفرینی و زایش تولیدات نوآورانه و نرخ پایین علاقه‌مندی به ثبت‌نام در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در برخی کشورها، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و درحال توسعه، ضرورت بازاندیشی و اصلاح در این نظام را به‌صورت بسیار جدی مطرح ساخته است (زین‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۶). آنچه از شواهد پژوهشی‌های موجود استنباط شده، مؤید این است که دانش‌آموزانی که در عرصه تحصیل و یادگیری در مدارس موفق هستند، نسبت به دیگر دانش‌آموزان، نرخ اشتغال بیشتری داشته و در عرصه شغلی نیز موفق بوده‌اند.

✓ هنرجوی با کد ۱۵ می‌گوید: "به علت پایین بودن نمرات و معدلم ناچار شدم این رشته تحصیلی را انتخاب کنم در حالی که هیچ علاقه ای به این رشته ندارم، تعدادی از دوستانم نیز مانند من بدون علاقه در رشته های دیگر به شاخه کار دانش روی آورده اند با آن که در این رشته، کارهایی را یاد می‌گیریم اما انگیزه ای برای ادامه کار ندارم."

✓ هنرآموزی با کد ۴ می‌گوید: "دانش آموزانی در هنرستان جذب می‌شوند که شرایط این رشته را ندارند، مثلا خودم از کلاس از ریاضی کلاس پنجم دبستان امتحان گرفتم فقط چند نفر نمره بالای ۱۰ گرفتند. یعنی ۸۰ درصد نمره قبولی از ریاضی پنجم ابتدایی نگرفتم، می‌خواهید با انگیزه پایینش! در اینجا من درس های فنی و مهارتی که محاسبات زیادی دارند را به او درس دهم؟! باید شرایط اولیه رشته را داشته باشه تا بتواند پیشرفت کنه."



۳-۶ عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت آموزی

زمان کارگاه‌های اکثر رشته هنرستان های فنی و حرفه ای مناسب با محتوی کتب درسی نبود و از چند سال پیش با تعطیلی روزهای پنج شنبه، در هنرستان ها بیشتر ساعات کار کارگاهی کاهش یافت. با توجه به اهمیت مهارت آموزی در هنرستان ها و نیز بعضا اضافه شدن مطالب جدید به کتب درسی کارگاهی، لازم است ساعات کارگاهی افزایش یابد که متذسفانه برعکس کاهش هم داشته است. که این خود می تواند یکی از مشکلات مهارت آموزی هنرجویان باشد.

✓ هنرآموزی با کد ۱۴ می گوید: " زمان کافی برای آموزش مهارت نداریم . از وقتی پنج شنبه ها تعطیل شد. در هنرستانها ساعات کار کارگاهی کاهش یافت و نمی شه با این زمان اندک و این دانش آموزان کم علاقه و بی انگیزه آموزش مهارت به درستی انجام شود و این باعث ضعف بنیه فنی ، مهارتی و علمی دانش آموختگان میشه و در نهایت توان لازم برای کار فنی به عنوان یک تکنسین را ندارند."

✓ هنرجوی با کد ۳۰ می گوید: " زمان بعضی از کارگاههای مان خیلی کم است با این وسایل خراب، آقای مهندس ... معلم کارگاه بیشتر در کارگاه مشغول تعمیر و راه اندازی وسایل است تا ما بتوانیم کار کنیم . هنوز کارمان تمام نشده ، وقت کارگاه تمام است. و هفته آینده دوباره باید از اول کار را شروع کنیم ، در نتیجه همان کارهای کتاب را نمی تونیم تمام کنیم چه رسه به کارای بیشتر و کاربردی تر."

۳-۷ دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستانها

وضعیت والدین (سطح تحصیلات، منزلت اجتماعی و درآمد) در گرایش کم دانش آموزان مستعد به رشته‌های فنی و حرفه‌ای نقش دارند. معمولاً والدین با سطح تحصیلات بالا، موقعیت شغلی برجسته، وضعیت اقتصادی خیلی خوب، سعی می‌کنند فرزندان خود را در رشته‌های نظری ثبت‌نام کنند، چون معتقد هستند که از طریق تحصیل در این رشته‌ها، فرزندانشان آینده بهتری دارند. نظرخواهی از دانش آموزان نیز این ادعا را تأیید می‌کند که (۴۶٪) دلیل انتخاب رشته‌های نظری را آینده بهتر می‌دانند. دانش‌آموزانی که میزان تحصیلات اولیای آن‌ها پایین‌تر از دیپلم بوده، نسبت دانش‌آموزانی که میزان تحصیلات اولیای آن‌ها دیپلم و بالاتر از آن است، نظر مثبت‌تری به تحصیل در هنرستان‌های فنی دارند (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴).

✓ هنرجوی با کد ۳۹ عنوان می‌کند: " باید دید جامعه نسبت به رشته کار دانش و فنی و حرفه ای تغییر کنه چون بیشتر مردم فکر می کنند فقط دانش آموزان ضعیف و ناتوان تحصیلی در این رشته ها تحصیل می کنن ، اما بعضی از دانش آموزان با علاقه به هنرستانا میان و موفقیت های خوبی هم دارن ."

✓ هنرآموزی با کد ۸ می گوید: " باید نگاه مسئولین و مردم نسبت به هنرستانها تغییر اساسی داشته باشه زیرا مسئولین در حرف هنرستانها را مهم تلقی می کنند اما این دیدگاه فقط در حد حرفه و خیلی در عمل به آن پایبند نیستند و خانواده ها هم باید ارزش کارهای فنی را درک کنند تا بتوانیم کشور را از این تنگنای اقتصادی نجات دهیم ."

۳-۸ عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به‌عبارت‌دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلایقی، ۱۳۸۲)

✓ سرپرست بخش یکی از هنرستانها با کد ۱۰ می گوید " متأسفانه آموزش های کارگاهی به علت کمبود وسایل قابل استفاده، به صورت کامل و درست انجام نمی شود و این با نیازهای بازار واقعی کار تناسب ندارد ، یعنی فارغ التحصیل این رشته ها مهارت لازم را برای انجام کار واقعی و تولیدی ندارد و به علت برگزاری دوره کارآموزی به صورت فرمالیته، متأسفانه هنرجو نمی تواند پس از اتمام دوره در هنرستان ، به معنای واقعی وارد بازار کار شود، اگر در هنرستان مهارت آموزی به درستی انجام نشود که در آموزشکده ها و دانشگاهها اصلا انجام نمی شود."

✓ هنرجوی با کد ۱۸ بیان می‌کند " من سال سوم هستم در سال دوم کارگاه سیم کشی ساختمان را گذرانده ام، در تابستان می خواستم خانه که تازه ساخته ایم را سیم کشی کنم. اما واقعا نمی دانستم چه جوری شروع کنم، زیرا ما در روی تخته درکارگاه مدار بسته ایم ، اما در فضای واقعی کار نکردیم تا رموز کار را یادگیریم و این از مشکلات کار ماست ."

۳-۹ مشکل ادامه تحصیل

در مورد ادامه تحصیل، سقای سعیدی (۱۳۸۱) گزارش داده است که از نظر علاقه‌مندی به ادامه تحصیل، میان دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای و کاردانش، با دانش‌آموزان نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) تفاوت معناداری وجود ندارد. شاید بتوان تمایل زیاد فارغ‌التحصیلان مدارس مهارت‌آموزی برای حضور در مقطع آموزش عالی را به علل دیگر مانند ضعف



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



فرهنگی در نگاه مثبت به کار یدی، دستمزدهای پایین کارگران نیمه ماهر، منزلت و جایگاه اجتماعی نابرابر با سایر شغل‌های مرتبط با تحصیلات دانشگاهی دانست (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶)، با توجه به نتایج این پژوهش، نحوه ادامه تحصیل از طریق رشته‌های فنی و حرفه‌ای در گرایش کم دانش آموزان مستعد به این رشته‌ها نقش دارند (نقل از باقری فر و صالحی، ۱۳۹۴). شرایط ادامه تحصیل برای تمام دانش‌آموختگان هنرستان‌ها فراهم نیست و در نظر نگرفتن آن‌ها برای شرکت و رقابت در کنکور سراسری هم از عوامل دیگری است که در کاهش انگیزه دانش‌آموزان در این رشته‌های تحصیلی مؤثر است.

✓ هنرآموزی با کد ۵ می‌گوید: "یکی از چالش‌های مهارت آموزی در هنرستانها، عدم استقبال دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها است و یکی از دلایل اصلی آن هم مشکل ادامه تحصیل در دانشگاه‌های معتبر است زیرا هنرجویان هنرستانها، ابتدا باید وارد مقطع کاردانی در آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای شوند و سپس به طور ناپیوسته وارد مقطع کارشناسی شوند. بنابراین دانش‌آموزان با توان علمی بالا ترجیح می‌دهند از طریق رشته ریاضی و فیزیک، رشته فنی مورد علاقه خود را دنبال کنند تا از طریق هنرستان‌ها و روند پیچیده ادامه تحصیل آن."

✓ هنرجوی کد ۲۶ می‌گوید: "آمدن دانش‌آموزان مستعد به هنرستان اشتباه است، به دلیل اینکه جو رقابت خوبی در محیط هنرستان‌ها نیست و تازه من خودم که سال اول در استعدادهای درخشان بودم به خاطر علاقه ام به این رشته به هنرستان آمدم. اما ایکاش نمی‌آمدم! اگر به رشته ریاضی می‌رفتم خیلی راحت در مقطع کارشناسی دانشگاهی به مراتب بهتر از آموزشکده‌ها پذیرفته می‌شدم، به همین خاطر تقریباً به تلاش بیشتر برای درس خواندن و کارهای عملی بی‌علاقه شدم."

۳-۱۰ عدم تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت آموزی و ارزش کار تولیدی

با توجه به اهمیت مهارت آموزی و تربیت شهروند کارآفرین در هنرستان‌ها، باید همه نهادهای تأثیرگذار در جامعه اهمیت این مراکز و مراکز مشابه مانند مراکز آموزشی سازمان فنی و حرفه‌ای را فرهنگ سازی صحیح نموده تا جامعه والدین با نگاه مثبت به کار و تولید، از ثبت نام فرزندان مستعد و علاقمند در این مراکز استقبال کنند. و زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی در عمل فراهم شود. اما متأسفانه نه تنها فرهنگ سازی در جهت مثبت نشده است بلکه بعضی اوقات در خلاف جهت این اهداف هم کار شده است.

✓ مدیر یکی از هنرستان‌ها با کد ۲ می‌گوید: "متأسفانه جهت‌گیری رسانه‌ها در جهت کارآفرینی و نهادینه کردن فرهنگ کار و تولید در جامعه نیست. هنرستانها هم در هیاهوی رشته‌های نظری جایگاه اصلی خود را در تبلیغات رسانه‌های کشور و شهر ندارند. البته کارهای تولیدی هم نسبت به کارهای دلالی و واسطه‌بازی خیلی وضع و حال خوبی ندارند. آنچنان تولید در زیر بار پرداخت مالیات، عوارض، بیمه و غیره کمر خم کرده که با این سیاستهای در حد حرف نمی‌تواند کمر راست کند. و هنرستان‌ها هم که متولی تربیت نیروی فنی و متخصص برای صنعت کشور است در مقایسه با رشته‌های نظری مظلوم و مغفول است و باید به طور جدی در حرف، اقدام و عمل به فکر مهارت آموزی و ارزش کار تولیدی بود."

✓ هنرجوی با کد ۲۰ اظهار می‌دارد: "رشته‌های فنی در هنرستانها مظلوم هستند. در زمان کنکور سراسری برای رشته‌های نظری ببینید تلویزیون چقدر برنامه جهت راهنمایی داوطلبان دارد. چقدر روزنامه‌ها و. سطح جامعه پر از غوغای کنکور است. اما کنکور آموزشکده‌های فنی برای هنرستانی‌ها را حتی خیلی از دبیران ما نمی‌دانند کی است! و یا خیلی از موارد دیگر، واقعا به کار و تولید بهای چندانی نمی‌دهند اندازه‌ای که به رشته فوتبال با جزئیات آن در رسانه‌ها پرداخته می‌شود به مهارت آموزی و تولید و هنرستانهای فنی و کاردانش نمی‌پردازند، این باعث بی‌انگیزگی و عدم رغبت به سوی هنرستانها می‌شود مگر از روی مجبوری!"

برای درک جامع و یکپارچه‌تر اطلاعات بر گرفته از عبارتهای ذکر شده توسط هنرآموزان و هنرجویان در خصوص چالشهای مهارت آموزی و الهام‌های بر گرفته از آن، یافته‌های مزبور در قالب جدول (۱) تنظیم و تلخیص شده است.



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



جدول (۱) تلخیص دریافت‌های الهام گرفته از روایت‌ها توسط هنرآموزان و هنرجویان در خصوص چالشهای مهارت آموزی

عوامل بدست آمده	دریافت‌های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان
<p>تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز</p>	<p>هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش آموزان، بین آن‌ها رقابت به وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند". معاون فنی یکی از هنرستانها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا، نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند اما متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روشهای منسوخ شده قدیمی برای تدریس استفاده کرده و اصلا به فکر بروز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستند".</p>
<p>بروز نبودن کتب درسی</p>	<p>هنرآموزی با کد ۹ که ۲۸ سال سابقه تدریس دارد می‌گوید: "کتابهای درسی با پیشرفت علمی و صنعتی همراه نیست. مثلا الان در کارگاه مهارتی را آموزش می‌دهم که حدود ۳۳ پیش خودم آموزش می‌دیدم. و کتابها درسی شاید چندین بار عوض شده اما فقط طرح روی جلد و یا فونت نوشتاری و یا تصویرها عوض شده. مثلا از مهارتهایی گفته که الان منسوخ شده و روشهای به روز و خیلی دقیقی تری آمده. اما کتاب درسی متأسفانه هنوز در همان سی سال پیش است. و گذر زمان را احساس نکرده". هنرجوی با کد ۱۷ می‌گوید: "کتابهای کارگاهی اصلا به روز نیستند و خیلی تئوری نوشته‌اند، و جنبه عملی آنها کمتره"</p>
<p>ناکافی بودن منابع مالی</p>	<p>مدیر یکی از هنرستانها با کد ۷ می‌گوید: "سرانه هر هنرجو ۵ سال پیش در یک سال تحصیلی حدود ۴۰ هزار تومان بوده و حالا پس از گذشت این مدت با توجه به تورم، حداقل باید به ۸۰ هزار تومان می‌رسید تا بتوانیم همان روال گذشته را داشته باشیم اما متأسفانه رشد منفی داشته و به ازاء هر هنرجو به ۱۰ حدود هزار تومان رسیده که جهت پرداخت قبوض و خرید وسایل ضروری اداری هم کافی نیست چه رسد به خرید تجهیزات نو و غیره". هنرجوی با کد ۲۲ می‌گوید: "چرا باید به هنرستانها بودجه دولتی ندادند که برای هر چیزی از ما باید پول بگیرند، در کارگاه حتی وسایل مصرفی کارگاه را باید خودمان پول بدهیم، با آن وسایل خراب باز پول هم می‌گیرند، اما بیشتر وسایل خراب می‌باشند. چرا اینقدر در کشور اسراف و حیف و میل میشه، اما برای آموزش دانش آموز پول کافی به آموزش و پرورش نمی‌دهند".</p>
<p>به روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان</p>	<p>هنرجوی با کد ۲۸ با اشاره به کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص بیان می‌کند: "برخی از دبیران برای تدریس از روش‌های قدیمی استفاده می‌کنند و گویی فقط برای انجام وظیفه در کلاس حاضر می‌شوند در حالی که آن‌ها می‌توانند با آموزش صحیح و تشویق دانش آموزان، بین آن‌ها رقابت به وجود آورند و موجب یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی آنها شوند". معاون فنی یکی از هنرستانها با کد ۱۲ می‌گوید: "ضمن تشکر و سپاس از همکارانی که با توان فنی و علمی بالا، نهایت تلاش را در یادگیری بهتر کار توسط هنرجویان را دارند اما متأسفانه همکارانی هم هستند که خیلی بی‌انگیزه به کلاس و کارگاه می‌روند و از روشهای منسوخ شده قدیمی برای تدریس استفاده کرده و اصلا به فکر بروز کردن اطلاعات و دانش فنی خود نیستند".</p>
<p>عدم جذب دانش آموز مستعد و علاقه‌مند</p>	<p>هنرجوی با کد ۱۵ می‌گوید: "به علت پایین بودن نمرات و معادلم ناچار شدم این رشته تحصیلی را انتخاب کنم در حالی که هیچ علاقه‌ای به این رشته ندارم، تعدادی از دوستانم نیز مانند من بدون علاقه در رشته‌های دیگر به شاخه کار دانش روی آورده‌اند. با آن‌که در این رشته، کارهایی را یاد می‌گیریم اما انگیزه‌ای برای ادامه کار ندارم". هنرآموزی با کد ۴ می‌گوید: "دانش آموزانی در هنرستان جذب می‌شوند که شرایط این رشته را ندارند، مثلا خودم از کلاس‌م از ریاضی کلاس پنجم دبستان امتحان گرفتم فقط چند نفر نمره بالای ۱۰ گرفتند. یعنی ۸۰ درصد نمره قبولی از ریاضی پنجم ابتدایی نگرفته، می‌خواهد با انگیزه پایش! در اینجا من درس‌های فنی و مهارتی که محاسبات زیادی دارند را به او درس دهم؟! باید شرایط اولیه رشته را داشتند تا بتوانند پیشرفت کنند".</p>
<p>عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت آموزی</p>	<p>هنرآموزی با کد ۱۴ می‌گوید: "زمان کافی برای آموزش مهارت نداریم. از وقتی پنجشنبه‌ها تعطیل شد. در هنرستانها ساعات کار کارگاهی کاهش یافت و نمیشه با این زمان اندک و این دانش‌آموزان کم علاقه و بی‌انگیزه آموزش مهارت به درستی انجام شود و این باعث ضعف بنیه فنی، مهارتی و علمی دانش‌آموختگان میشه و در نهایت توان لازم برای کار فنی به عنوان یک تکنسین را ندارند". هنرجوی با کد ۳۰ می‌گوید: "زمان بعضی از کارگاههای مان خیلی کم است با این وسایل خراب، آقای مهندس... معلم کارگاه بیشتر در کارگاه مشغول تعمیر و راه اندازی وسایل است تا ما بتوانیم کار کنیم. هنوز کارمان تمام نشده، وقت کارگاه تمام است. و هفته آینده دوباره باید از اول کار را شروع کنیم، در نتیجه همان کارهای کتاب را نمی‌تونیم تمام کنیم چه رسد به کارهای بیشتر و کاربردی تر".</p>
<p>دیدگاه منفی جامعه والدین نسبت به هنرستانها</p>	<p>هنرجوی با کد ۳۹ عنوان می‌کند: "باید دید جامعه نسبت به رشته کار دانش و فنی و حرفه‌ای تغییر کنه چون بیشتر مردم فکر می‌کنند فقط دانش آموزان ضعیف و ناتوان تحصیلی در این رشته‌ها تحصیل می‌کنن، اما بعضی از دانش آموزان با علاقه به هنرستان میان و موفقیت‌های خوبی هم دارن". هنرآموزی با کد ۸ می‌گوید: "باید نگاه مسئولین و مردم نسبت به هنرستانها تغییر اساسی داشته باشه زیرا مسئولین در حرف هنرستانها را مهم تلقی می‌کنند اما این دیدگاه فقط در حد حرفه و خیلی در عمل به آن پایبند نیستند و خانواده‌ها هم باید ارزش کارهای فنی را درک کنند. تا بتوانیم کشور را از این تنگنای اقتصادی نجات دهیم".</p>
<p>عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار</p>	<p>سرپرست بخش یکی از هنرستانها با کد ۱۰ می‌گوید: "متأسفانه آموزش‌های کارگاهی به علت کمبود وسایل قابل استفاده، به صورت کامل و درست انجام نمی‌شود و این با نیازهای بازار واقعی کار تناسب ندارد، یعنی فارغ التحصیل این رشته‌ها مهارت لازم را برای انجام کار واقعی و تولیدی ندارد و به علت برگزاری دوره کارآموزی به صورت فرمالیته، متأسفانه هنرجو نمی‌تواند پس از اتمام دوره در هنرستان، به معنای واقعی وارد بازار کار شود، اگر در هنرستان مهارت آموزی به درستی انجام نشود که در آموزشگاهها اصلا انجام نمی‌شود". هنرجوی با کد ۱۸ بیان می‌کند: "من سال سوم هستم در سال دوم کارگاه سیم کشی ساختمان را گذرانده‌ام، در تابستان می‌خواستم خانه که تازه ساخته ایم را سیم کشی کنم، اما واقعا نمی‌دانستم چه جور می‌شود، زیرا ما در روی تخته درکارگاه مدار بسته ایم، اما در فضای واقعی کار نکردیم تا رموز کار را یادگیریم و این از مشکلات کار ماست".</p>
<p>مشکل ادامه تحصیل</p>	<p>هنرآموزی با کد ۵ می‌گوید: "یکی از چالشهای مهارت آموزی در هنرستانها، عدم استقبال دانش آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌ها است و یکی از دلایل اصلی آن هم مشکل ادامه تحصیل در دانشگاههای معتبر است زیرا هنرجویان هنرستانها، ابتدا باید وارد مقطع کاردانی در آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای شوند و سپس به طور ناپیوسته وارد مقطع کارشناسی شوند. بنابراین دانش آموزان با توان علمی بالا ترجیح می‌دهند از طریق رشته ریاضی و فیزیک، رشته فنی مورد علاقه خود را دنبال کنند. تا از طریق هنرستانها و روند پیچیده ادامه تحصیل آن". هنرجوی کد ۲۶ می‌گوید: "آمدن دانش آموزان مستعد به هنرستان اشتباه است، به دلیل اینکه جو رقابت خوبی در محیط هنرستانها نیست و تازه من خودم که سال اول در استعدادهای درخشان بودم به خاطر علاقه ام به این رشته به هنرستان آمدم. اما یکبار نمی‌آمدم! اگر به رشته ریاضی می‌رفتم خیلی راحت در مقطع کارشناسی دانشگاهی به مراتب بهتر از آموزشگاهها با پذیرفته می‌شدم، به همین خاطر تقریباً به تلاش بیشتر برای درس خواندن و کارهای عملی بی‌علاقه شدم".</p>
<p>عدم تبلیغ مناسب رسانه‌ها در اهمیت مهارت آموزی و ارزش کار تولیدی</p>	<p>مدیر یکی از هنرستانها با کد ۲ می‌گوید: "متأسفانه جهت گیری رسانه‌ها در جهت کارآفرینی و نهادینه کردن فرهنگ کار و تولید در جامعه نیست. هنرستانها هم در هیاهوی رشته‌های نظری جایگاه اصلی خود را در تبلیغات رسانه‌های کشور و شهر ندارند. البته کارهای تولیدی هم نسبت به کارهای دلالی و واسطه‌بازی خیلی وضع و حال خوبی ندارند. آنچنان تولید در زیر بار پرداخت مالیات، عوارض، بیمه و غیره کمر خم کرده که با این سیاستهای در حد حرف نمی‌تواند کمر راست کند. و هنرستانها هم که متولی تربیت نیروی فنی و متخصص برای صنعت کشور است در مقایسه با رشته‌های نظری مظلوم و مغفول است و باید به طور جدی در حرف، اقدام و عمل به فکر مهارت آموزی و ارزش کار تولیدی بود". هنرجوی با کد ۲۰ اظهار می‌دارد: "رشته‌های فنی در هنرستانها مظلوم هستند. در زمان کنکور سراسری برای رشته‌های نظری بیند تلویزیون چقدر برنامه‌های راهنمایی داشتند. چقدر روزنامه‌ها و سطح جامعه پر از غوغای کنکور است. اما کنکور آموزشگاه‌های فنی برای هنرستانها‌ها را حتی خیلی از دبیران ما نمی‌دانند. کی است! با خیلی از موارد دیگر، واقعا به کار تولید بهایی چندانی نمی‌دهند. اندازه‌ای که به رشته فوتبال با جزئیات آن در رسانه‌ها پرداخته می‌شود به مهارت آموزی و تولید و هنرستانهای فنی و کار دانش نمی‌پردازند. این</p>

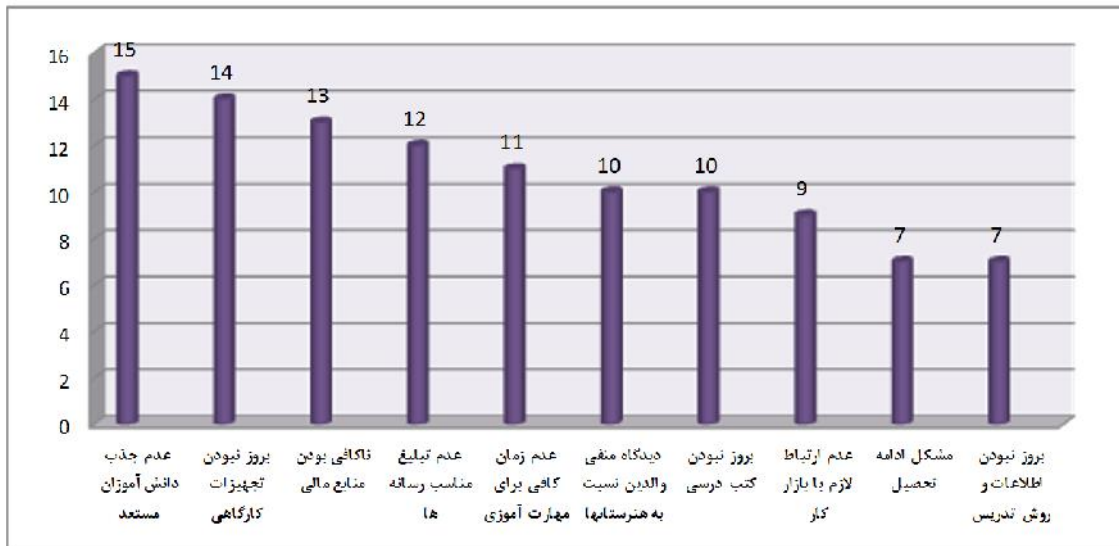


پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال

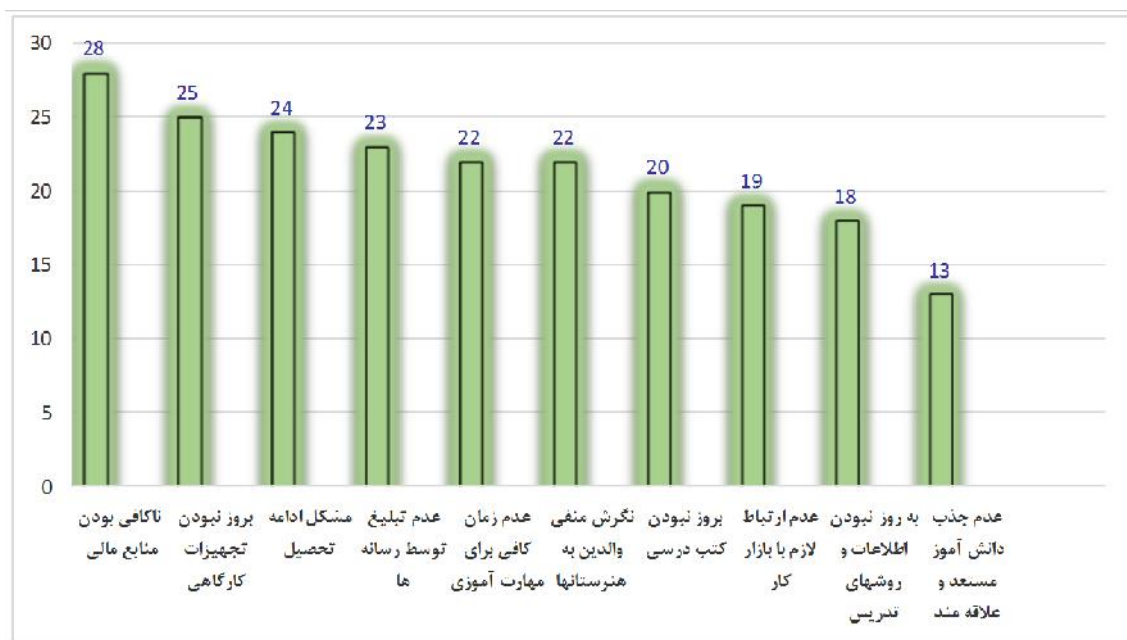


عوامل بدست آمده	دریافت های الهام گرفته از روایت هنرآموزان و هنرجویان
-----------------	--

باعث بی انگیزگی و عدم رغبت به سوی هنرستانها می شود مگر از روی مجبوری..."



نمودار (۲) مهمترین چالش های مهارت آموزی از دیدگاه هنرآموزان به ترتیب فراوانی



نمودار (۳) مهمترین چالش های مهارت آموزی از دیدگاه هنرجویان به ترتیب فراوانی

۴- بحث و نتیجه گیری

یکی از شاخص های پیشرفت صنعتی، تربیت نیروی متخصص در رده های مختلف فنی است. هر کشوری که بتواند هم زمان با رشد صنعتی و فنی، نیروی فنی مورد نیاز خود را نیز تربیت کند، موفقیت بیشتری کسب خواهد کرد. دلایل تشکیل نظام



پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



آموزش‌های مهارتی (مهارت‌آموزی) در ایران با دلایل تشکیل این نظام در سایر کشورها تفاوت چندانی ندارد در ایران نیز، نیاز صنایع به کارکنان ماهر و نیمه ماهر و حرکت در راستای کاهش شکاف میان مدرسه و کار از مهم‌ترین دلایل تشکیل این نظام بوده است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸).

یکی از هدف‌های اصلی هر نظام آموزش فنی و حرفه‌ای تربیت نیروهایی است که بتوانند از مهارت‌های کسب‌شده در جریان آموزش به‌طور موفقیت‌آمیزی در محیط کار بهره‌برداری کنند و با کارایی بالا به انجام امور بپردازند. به عبارت دیگر، هدف آن است که کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای موجب بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم گردد. تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی)، کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (خلیقی، ۱۳۸۲).

تأملی بر نتایج برگرفته از مصاحبه با هنرآموزان و هنرجویان، نشان می‌دهد که شکل‌گیری بسیاری از چالش‌ها در روند مهارت آموزی که می‌توانند مشکلات فراوانی در زمینه توانایی فنی و علمی هنرجویان هنرستانها ی فنی و حرفه ای ایجاد نمایند، که این چالش‌ها عبارتند:

اولین چالش مهارت آموزی؛ تناسب نداشتن تجهیزات کارگاهی با فناوری و دانش روز می باشد. تجهیزات فرسوده و یا ناقص مانع یاددهی و یادگیری کامل مهارت می شود. این مسئله باعث اتلاف وقت و نیز دلسردی هنرآموز و هنرجو از ادامه کار می شود. مطالعه سالاری (۱۳۷۵)، نشان داد کمبود و مجهز نبودن کارگاه‌ها در مدارس فنی و حرفه‌ای و کاردانش از دیگر موانع شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش است. همچنین با پژوهش میرصنایع (۱۳۷۷)، نوربخش (۱۳۷۲) همسو می باشد. یعنی تفاوت معنی داری بین وضعیت موجود هنرستان‌ها با وضعیت استاندارد وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت امکانات و تجهیزات هنرستان‌ها فرسوده و از رده خارج است و حتی پاسخگوی نیاز جمعیت کنونی هنرجویان هنرستان‌ها هم نیست. اصل آموزش در هنرستان‌ها تجهیزات است، تجهیزات هنرستانهای فنی و حرفه‌ای سال به سال تغییر می‌کند و اگر تجهیزات به روز نشود، هنرستانها تعطیل می‌شوند.

دومین چالش مهارت آموزی؛ بروز و عملی نبودن کتب درسی است. وقتی کتاب‌های کارگاهی مطابق پیشرفت علمی روز دنیا باشد و نحوه نگارش آنها نیز جنبه عملی داشته باشد می‌تواند در علاقمندی هنرجویان و خلاقیت آنها تأثیر داشته باشد. متأسفانه کتب کارگاهی توسط اساتید محترمی نوشته می‌شود که شاید حتی یکسال هم در هنرستان‌ها این مهارت را تدریس نکرده‌اند و به همین خاطر بیشتر نگاه مؤلف به جنبه تئوری مباحث است.

سومین چالش مهارت آموزی؛ ناکافی بودن منابع مالی است. یکی از مشکلات عدیده‌ای که آموزش و پرورش و به خصوص هنرستان‌ها همیشه با آن مواجه هستند، کمبود منابع مالی جهت اجرای طرح‌های آموزشی و تربیتی است. به خصوص در ۵ سال اخیر که کمبود اعتبارات به یکی از چالش‌های مهم هنرستان‌ها تبدیل شده است. وقتی سرانه پرداخت شده به یک مدرسه جهت پرداخت قبوض آب، برق، گاز، تلفن و خرید ملزومات اداری کافی نیست، چه انتظاری از مدیران هنرستانها در جهت مهیا کردن زمینه مساعد جهت مهارت آموزی هنرجویان و نیز پیشرفت علمی و تربیتی آنها داریم!

چهارمین چالش مهارت آموزی؛ به روز نبودن اطلاعات و روش‌های آموزشی هنرآموزان است. ریشه بسیاری از مشکلات آموزشی و تربیتی به کلاس درس و به ویژه به روش‌ها و فنون تدریس مورد استفاده معلم بر می‌گردد. هر انسانی به نحوی دارای شایستگی، هوش و استعداد است؛ اما مشکل ما (به عنوان مربیان آموزشی) این است که توان و استعداد فراگیران را کمتر مورد بررسی و شناسایی قرار داده‌ایم. انتخاب و استفاده از روش مناسب تدریس برای موضوعات و مواد مختلف درسی می‌تواند ذهن دانش‌آموز و دانشجو را به خود جلب کند و در شناخت، شکوفایی و توسعه استعدادها به آنان یاری‌رساند (عبداللهی، ۱۳۹۱).

پنجمین چالش مهارت آموزی؛ عدم جذب دانش آموز مستعد و علاقمند به هنرستانها است. پیشنهاد راهکارهایی به‌منظور اصلاح وضع موجود به‌ویژه کیفیت ورودی دانش‌آموزان ثبت نامی و در نتیجه بهبود وضعیت یادگیری هنرجویان ضروری به نظر می‌رسد. زیرا به خاطر اینکه دانش‌آموزان ثبت نامی در هنرستان‌ها از معدل درسی پائینی برخوردار هستند، به خاطر ضعف درسی و احتمالاً عدم قبولی در یک یا چند درس، زمینه یادگیری مطالب جدیدی که در راستای مطالب سال قبل است را ندارند و به نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل افت تحصیلی هنرستان‌ها، ثبت نام دانش‌آموزان ضعیف درسی (به خصوص در دروس ریاضی و فیزیک) است و به خاطر اینکه دروس تخصصی و کارگاهی هنرستان‌ها بر پایه محاسبات ریاضی بنا نهاده شده، بنابراین دانش‌آموزان ضعیف درسی نمی‌توانند موفقیت چندانی در دروس تخصصی و کارگاهی کسب کنند (باقری‌فر و صالحی، ۱۳۹۴).

ششمین چالش مهارت آموزی؛ عدم اختصاص زمان کافی برای مهارت آموزی است.



باید زمان لازم و کافی یادگیری مهارت اختصاص داده شود. که متأسفانه در سال های اخیر افزایش حجم کتاب های کارگاهی از یک سو و کاهش ساعات کارگاهی از دیگر سو، مشکل مهارت آموزی را دو چندان کرده است. هفتمین چالش مهارت آموزی؛ دیدگاه منفی جامعه و والدین نسبت به هنرستان ها است. رادیش (۱۹۹۷) معتقد است خانواده، به ویژه پدر و مادر، در امر تحصیل فرزندان، شامل: پیشرفت تحصیلی و انتخاب رشته تحصیلی فرزندان خود، دخالت می کنند. گاه این دخالت ها مناسب و در پیشرفت و جهت گیری صحیح فرزند مؤثر است، ولی گاهی این دخالت ها موجب عقب ماندگی و یا انتخاب نادرست می شود که نتیجه آن نارضایتی و عدم موفقیت خواهد بود. مشکلات اقتصادی، اختلافات خانوادگی، جدایی والدین، تبعیض بین فرزندان، کنترل دختران در برابر پسران، تسلط بیش از حد والدین، مرگ والدین، بی سوادی والدین و ... نیز بر روی انتخاب فرد اثر می گذارد. دانش آموز بایستی، با در نظر گرفتن این محدودیت ها و امکاناتی که در اختیار دارد به انتخاب رشته تحصیلی و شغل متناسب با شرایط زندگی خود بپردازد. به طوری بتواند هم به علایق و آرزوهای واقعی خود جامه عمل بپوشاند و هم بر اساس توانایی ها و استعدادهاش موقعیت بهتری را در زندگی اتخاذ کند؛ و هم بر اساس توانایی ها و استعدادهاش موقعیت بهتری را در زندگی اتخاذ کند.

هشتمین چالش مهارت آموزی؛ عدم ارتباط لازم بین مهارت آموخته شده با نیازهای بازار کار است. در همین راستا نفیسی (۱۳۷۹)؛ جعفری (۱۳۷۱)؛ امرسون و بانگ (۱۹۸۲)؛ کروود و ستارسن (۱۹۹۸) ع به این نتیجه رسیدند که نظام آموزشی با مشکل فقدان ارتباط و تناسب لازم بین برنامه های آموزشی و نیازهای محیط روبرو شده است (به نقل از کاووسی، ۱۳۸۷). این پژوهش نشان داد که در هر دو بخش آموزش های فنی و حرفه ای و کاردانش، نسبت های اشتغال در میان دو گروه فارغ التحصیلان پسر و دختر یکسان نیست. معلوم شد که به طور کلی در گروه نمونه فارغ التحصیلان فنی و حرفه ای، ۷۸/۵٪ از دختران و ۴۱/۳٪ از پسران و در گروه نمونه فارغ التحصیلان کاردانش، ۸۴٪ از دختران و ۵۴/۱٪ از پسران بیکارند (همان منبع). خلاقی (۱۳۸۱)، زیباکلام مفرد (۱۳۶۵)، فرشاد (۱۳۷۴)، و جمال فر (۱۳۶۶)، در پژوهش های خود، یکی از اساسی ترین تنگناهای آموزش فنی و حرفه ای ایران را عدم انطباق با نیازها و عدم توانایی در پاسخگویی به نیازهای صنعت و عدم ارتباط با این بخش بر شمرده اند. صفار حیدری (۱۳۷۰)، نیز در مقایسه ای تطبیقی میان نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه ای ایران و ژاپن نتیجه گرفت که نظام آموزش و پرورش فنی و حرفه ای ایران با نیازهای جامعه بیگانه است. در حالی که در کشور ژاپن، عموماً آموزش های فنی و حرفه ای از بستر نیاز جامعه در بخش های صنعتی و خدماتی منشعب می شود.

نهمین چالش مهارت آموزی؛ مشکل ادامه تحصیل هنرجویان در دانشگاه های معتبر است. در مورد ادامه تحصیل، سقای سعیدی (۱۳۸۱) گزارش داده است که از نظر علاقه مندی به ادامه تحصیل، میان دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش، با دانش آموزان نظری (ریاضی، تجربی، انسانی) تفاوت معناداری وجود ندارد. شاید بتوان تمایل زیاد فارغ التحصیلان مدارس مهارت آموزی برای حضور در مقطع آموزش عالی را به علل دیگر مانند ضعف فرهنگی در نگاه مثبت به کار یدی، دستمزدهای پایین کارگران نیمه ماهر، منزلت و جایگاه اجتماعی نابرابر با سایر شغل های مرتبط با تحصیلات دانشگاهی دانست (نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۸۶)، با توجه به نتایج این پژوهش، نحوه ادامه تحصیل از طریق رشته های فنی و حرفه ای در گرایش کم دانش آموزان مستعد به این رشته ها نقش دارند. این نتیجه با تحقیق، مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲)، که معتقدند حساسیت والدین بیشتر در مورد هنرستان ها است که فرزندان خویش را از رفتن به رشته های موجود در هنرستان ها منع کرده و دلیلشان برای این ممانعت، شانس کم قبولی در دانشگاه ها و محیط نامناسب هنرستان ها است و اکثر دانش آموزان نیز تمایل زیادی به ادامه تحصیل در دانشگاه دارند، مطابقت دارد. به دلیل اینکه فارغ التحصیلان هنرستان ها نمی توانند در آزمون سراسری دانشگاه ها شرکت کنند و مستقیماً در مقطع کارشناسی پذیرفته شوند، این عاملی است که دانش آموزان مستعد از آمدن به هنرستان ها امتناع می کنند؛ و به دلیل اینکه پس از فارغ التحصیلی دوره کاردانی، ظرفیت پذیرش دوره های کارشناسی ناپیوسته در دانشگاه های دولتی خیلی محدود است و نیز امکان انتخاب دانشگاه های معتبری همچون صنعتی شریف، تهران، علم و صنعت، امیرکبیر ... را ندارند، معمولاً دانش آموزان مستعد که به رشته های مهندسی علاقه مند هستند به رشته ریاضی فیزیک می روند و از این طریق اهداف خود را دنبال می کنند.

دهمین چالش مهارت آموزی؛ عدم تبلیغ مناسب رسانه ها در اهمیت مهارت آموزی و ارزش کار تولیدی. رسانه ها دیداری و شنیداری و مکتوب نقش بسیار مهمی در سوق افکار جامعه بسوی هدف و فرهنگ سازی دارند، در این سال ها که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی به عنوان بهترین راهبرد جهت مقابله با تنگناهای اقتصادی کشور یاد می کنند. در راستای همین هدف، رسانه ها و به خصوص رسانه ملی باید با برنامه های متنوع، جذاب و مخاطب پسند، بتوانند افکار جامعه را به سمت و



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



سوی کارهای تولیدی سوق داده و در همین راستا نقش آموزش های مهارتی که توسط آموزش فنی و حرفه ای و هنرستان های فنی و کاردانش ارائه می شود را پررنگ و برجسته نمایند و با تمام توان از این مراکز حمایت رسانه ای داشته باشند.

پیشنهادهای برگرفته از مطالعه:

- با توجه به تجربیات محقق، از تدریس و مدیریت در هنرستانها و مصاحبه عمیق با هنرآموزان، مدیران، معاونین و هنرجویان در مورد چالشهای هنرستانها در خصوص مهارت آموزی و راهکارهای ارائه شده توسط آنان در خصوص مسائلی از قبیل؛ بهبود کیفیت آموزشی، محتوای منابع درسی، قوانین و مقررات آموزشی، افزایش توان مهارتی و کارآفرینی هنرجویان و چالشهای آن، مطالب زیر را جهت بهبود شاخصهای مهارت آموزی در هنرستانها پیشنهاد می گردد.
- ۱- برای بهبود کیفیت آموزشی، باید زمینه حضور دانش آموزان مستعد و علاقه مند را در هنرستانها فراهم کنیم؛ که در شروع فرایند ثبت نام باید با هدایت تحصیلی درست و مناسب، دانش آموزان با توجه به استعداد، توانایی و علاقه آنها توسط مشاورین خبره و آگاه به اهمیت رشتههای فنی انجام گیرد.
- ۲- محتوای منابع تخصصی درسی (نظری و عملی) باید بروز شوند. بعضی از مطالب کتب کارگاهی خیلی قدیمی است درحالی که در رشتههای فنی انتظار هنرآموزان و هنرجویان این است که سرفصلهای آموزشی مطابق پیشرفت علمی بروز باشند. برای تألیف و یا بازنگری در کتابهای درسی تخصصی هر رشته، بهتر است از هنرآموزان موفق سطح کشور دعوت به عمل آید تا در کارگروههای تخصصی ضمن بررسی منابع درسی موجود با آخرین پیشرفتهای علمی رشته، به معنای واقعی محتوای کتاب بازنگری شود.
- ۳- بعضی قوانین آموزشی که در مهر و مومهای اخیر تغییر کرده باید احیا مجدد شوند، مثل حذف مردودی پایه اول دبیرستان از نظام آموزشی که موجب شده است، کسانی که توانایی ادامه تحصیل را ندارند سه سال وقت صرف کنند، اما پس از سه سال تحصیل در هنرستان، نه مهارت فنی چندانی دارند و نه سواد قابل و نمی توانند مدرک قابل قبولی کسب کنند؛ بنابراین سه سال از بهترین ایام عمرشان هدر می رود.
- ۴- باید برای آموزش و پرورش و به خصوص برای هنرستانها به مقدار کافی و لازم هزینه کرد، با توجه به سخنان حکیمانه رهبر معظم انقلاب که می فرمایند، «حمایت همه جانبه از دستگاه عظیم آموزش و پرورش، سرمایه گذاری مؤثر برای آینده درخشان فرزندان ملت و پیشرفت پرشتاب مادی و معنوی ایران عزیز است» (نقل از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار معلمان مورخه ۱۳۹۳/۲/۱۷)، اما متأسفانه این توصیه های مهم در حد شعار مانده و مسئولین اجرایی و قانون گذاری فکری اساسی برای رفع مشکلات آموزش و پرورش نکرده اند.
- ۵- پیشنهاد می شود که وزارت آموزش و پرورش به منظور ترویج روحیه کارآفرینی و توسعه آن در بین دانش آموزان، اقدام به تشکیل انجمن دانش آموختگان کارآفرین نماید تا از این طریق ارتباط آنها بعد از فراغت از تحصیل نیز با مدرسه قطع نشود.
- ۶- به دلیل اینکه هدف اصلی رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش تأمین نیروی متخصص مورد نیاز صنعت در سطح مهندسیین کاربردی و تکنسین درجه ۱ و ۲ است؛ بنابراین باید امتیازاتی برای فارغ التحصیلان این مراکز، با توان فنی و مهارتی قابل قبول پیش بینی شود؛ و برای توسعه فعالیت های کارآفرینی در بین فارغ التحصیلان هنرستانی، برنامه جامعی برای حمایت مادی و معنوی از این افراد با کمک بخش های صنعتی و بانکها طراحی و تدوین شود تا از طرحها و پروژه های فارغ التحصیلان کارآفرین حمایت همه جانبه شود.
- ۷- باید با بسیج امکانات صدا و سیما و رسانه های شنیداری و مکتوب ملی و محلی، فرهنگ سازی لازم در جهت حمایت از اقتصاد مقاومتی که مورد تأکید مقام معظم رهبری و دولت تدبیر و امید می باشد، به عمل آید. یکی از مصداق های این، حمایت تمام قد در حرف، تصمیم و اقدام از مراکز تولیدی و مراکز آموزشی مهارت آموزی مثل هنرستان های فنی و حرفه ای و کاردانش و مراکز آموزشی سازمان فنی و حرفه ای می باشد.
- ۸- استفاده از روش های فعال تدریس در کلاس توسط دبیران و هنرآموزان محترم با برگزاری دوره های کاربردی آموزش ضمن خدمت برای آنان

منابع

- امین بیدختی، ع؛ و دارائی، م. (۱۳۹۰) بررسی علل گرایش کم دانش آموزان دختر مستعد به رشته علوم انسانی در دبیرستان های شهر سمنان، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۵)، ۲۸-۱.
- بازرگان، ع. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته؛ رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.



بنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



- بازرگان، ع. (۱۳۸۴). ضرورت توجه به دیدگاه‌های فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی در علوم انسانی برای انتخاب روش تحقیق با تاکید بر روش‌های کیفی پژوهش و ارزشیابی آموزشی. (مجموعه مقالات) علوم تربیتی: به مناسبت نکوداشت دکتر علیمحمدکاردان (صص ۳۸-۵۰). تهران: انتشارات سمت.
- باقری فر، ع.ا؛ و صالحی، ک. (۱۳۹۴). بررسی میزان استقبال دانش‌آموزان مستعد از تحصیل در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای تربت‌حیدریه در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳، چکیده مقالات همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- خاتمی، ع؛ و شاه‌حسینی، ح. (۱۳۹۱) وضعیت شاخص‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان شاخه‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش، فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره یکم، ۹۵-۱۱۶.
- خلافی، ع.ا. (۱۳۸۲) ویژگی‌های نظام آموزش فنی و حرفه‌ای استرالیا: درس‌هایی برای اصلاح و آموزش فنی و حرفه‌ای ایران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی شماره ۵، سال دوم، ۸۱-۶۵.
- درانی، ک؛ و صالحی، ک. (۱۳۸۵). ارزشیابی هنرستانهای کارو دانش با استفاده از الگوی سیپ (CIPP) به منظور پیشنهاد چارچوبی برای بهبود کیفیت هنرستانهای کاردانش: موردی از هنرستان‌های منطقه ۲ شهر تهران، ۱۶۴-۱۴۳.
- انوری، ز؛ شهبادی، ع.ا؛ عنایتی، چ؛ خاتمی، ع؛ و امتیاز جو، م. (۱۳۸۳) معرفی و شناخت شاخه فنی و حرفه‌ای شهر تهران، تهران: سازمان آموزش و پرورش.
- زین‌آبادی، ح. ر؛ صالحی، ک؛ و پرنده، ک. (۱۳۸۶). دختران و آموزش فنی و حرفه‌ای: ارزیابی کیفیت ابعاد فردی، اجتماعی و اقتصادی بروندادهای هنرستان‌های فنی حرفه‌ای‌ای دخترانه شهر تهران، پژوهش زنان، ۵ (۲)، ۱۲۹-۱۶۴.
- ساداتی، م؛ و قهرمان، آ. (۱۳۹۰) مقایسه وضعیت دانش‌آموزان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و مدارس کاردانش به لحاظ تطبیق مؤلفه‌های آموزش با استاندارد، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، ۸۰-۶۳.
- سقای سعیدی، ج. (۱۳۸۱) راه‌های ترغیب دانش‌آموزان به انتخاب رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- صادقی فسایی، س؛ و ایثاری، م. (۱۳۹۱). تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳، ۵-۳۰.
- صالحی، ک؛ بازرگان، ع؛ صادقی، ن؛ و شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی. فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵ (۹)، ۵۹-۹۹.
- صالحی، ک؛ زین‌آبادی، ح. ر؛ و پرنده، ک. (۱۳۸۸). کاربرد سیستمی در ارزشیابی هنرستان فنی و حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه شهر تهران، ۲۹ (۸)، ۱۵۲-۲۰۳.
- صالحی، ک؛ زین‌آبادی، ح. ر؛ و کیامنش، ع. (۱۳۸۶) نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستان‌های کاردانش: موردی از ارزشیابی کیفیت بروندادهای هنرستان‌های کاردانش منطقه ۲ تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۶)، ۱۱۹-۱۶۳.
- صدوقی، م. (۱۳۸۷). معیارهای ویژه‌ی ارزشیابی پژوهش کیفی، فصلنامه علمی- پژوهشی، روش‌شناسی علوم تربیتی، سال ۵۶، شماره ۱۴، صص ۷۲-۵۵.
- عبداللهی، ح. (۱۳۹۱). درآمدی بر روش‌ها، فنون و مهارت‌های تدریس، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- عیسی‌خانی، ا. (۱۳۹۳). آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال / جلد هفتم، (مجموعه مقالات) سومین همایش بین‌المللی مهارت آموزی و اشتغال، تهران: مؤسسه نقش آفرینان بایکان، ۲۰-۹.
- کشتی‌آرای، ن؛ یوسفی، ع. ر؛ و موسوی، س. (۱۳۹۱) تناسب نیازهای بخش صنعت با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان‌های دخترانه و پسرانه: موردی از مطالعه شهرستان فلاورجان، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۸-۱۱۹.
- کاوسی، ط. (۱۳۸۷) رابطه آموزش‌های کاردانش و فنی و حرفه‌ای با اشتغال در استان آذربایجان شرقی، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱، شماره ۱، ۹۳-۸۳.



پنجمین همایش ملی و چهارمین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال



مرادی، ا؛ و اخوان تختی، م. (۱۳۹۲)، بررسی رضایت دانش آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه روان شناسی تربیتی، شماره بیست و هشتم، سال نهم، تابستان ۹۲، ۱۳۸-۱۲۱.

هرندی، ف؛ و فلاح محسن خانی، ز. (۱۳۸۶) اشتغال جوانان و چالش‌های آن، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۴۶-۱۳۳.